

امنیت در قفقاز جنوبی

همایش دفتر مطالعات سیاسی و

بین‌المللی، تهران، ۱۸-۱۷ آذر ۱۳۸۲، تهران.

الهام میر نهامی

منطقه قفقاز جنوبی هم برای همسایگان نزدیکش و هم برای سایر قدرتهای بزرگ مثل آمریکا و کشورهای اروپایی نقش عمده‌ای ایفا می‌کند. در سالهای قبل، این منطقه شاهد تغییرات راهبردی عمده‌ای بوده و وضعیت جغرافیایی قفقاز باعث شکل‌گیری موقعیت منحصر به فردی برای این سرزمین گردیده است و این فرصت را برای اقوام و ملیتهای متنوع و متعدد آن فراهم ساخت تا در طول تاریخ در کنار هم باشند و تاریخ مشترکی را برای این منطقه رقم زنند.

از اوایل دهه ۹۰، یعنی از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، قفقاز جنوبی با عدم ثبات سیاسی روبه‌رو بوده است که از دلایل آن می‌توان به طور اخص به تضادهای قومی-فرهنگی و دیگر عامل، کشف پتانسیلهای نفت و گاز در بستر دریای

خزر اشاره کرد. در واقع، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال جمهوریهای تشکیل دهنده آن باعث بروز تغییرات ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ویژه‌ای در مرزهای کشورهای همسایه، به ویژه مرزهای شمالی ایران گردیده است؛ به خصوص اینکه بعد از سقوط دوره شوروی دولت آمریکا به طرز چشمگیری قراردادهای خویش را در سطوح مختلف با دولتهای قفقاز توسعه داده و برای حضور مؤثر در صحنه رقابت در منطقه قفقاز از هیچ تلاشی کوتاهی نکرده است، به نحوی که با این عمل دامنه نا امنیتی و بی‌ثباتی در منطقه را گسترش داده است.

عوامل نا امنی در منطقه

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و خلع قدرت ناشی از آن، چالشها و تهدیدهای بسیاری را برای کشورهای تازه استقلال یافته به ارث باقی گذاشته است که از جمله آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. قوم‌گرایی و اختلافات نژادی میان اقوام؛
۲. اختلافات مرزی و تأثیر آن در ضعف ساختار اقتصادی و همچنین توزیع ناعادلانه

ثروت؛ ۳. اعمال سیاستهای تبعیض میان شهروندان؛ ۴. عدم وجود نهادهای مدنی کارا و مناسب؛ و ۵. رقابت میان قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای.

جایگاه قفقاز در روابط بین الملل بر اساس مشخصات جغرافیایی و منطقه‌ای

وجود ذخایر غنی طبیعی، موقعیت راهبردی و وجود شاهراه‌های هوایی، جاده‌ای و دریایی که از قفقاز جنوبی می‌گذرند، باعث شده تا این منطقه به صحنه حاد مسایل سیاسی-اقتصادی و نظامی تبدیل شود و در روابط بین الملل جایگاه خاصی پیدا کند. در واقع، یکی از عوامل مهم ناامنی و تنش در این منطقه وجود برخی کشورهای بزرگ و شرکتهای چندملیتی در منطقه است، که هر کدام به دنبال منافع خویش هستند و به منطقه به منزله منبع مواد خام و نیروی انسانی ارزان قیامت می‌نگرند. همین امر می‌تواند بزرگ‌ترین تهدید برای امنیت و ثبات در قفقاز شود.

رویکردهای امنیتی در قفقاز

۱. رویکرد راهبردی: مسایل امنیتی قفقاز در چارچوب بازی بزرگ میان روسیه و آمریکا تعریف می‌شوند. این دو قدرت مؤثر به دنبال اهداف و منافع جداگانه در منطقه هستند و کشورهای قفقاز به این دو قدرت به عنوان یک پشتوانه می‌نگرد. یکی از اشکالات این رویکرد این است که روسیه، قفقاز را حریم امنیتی خود می‌داند و تحولات منطقه و امکان گسترش آن تحولات به مناطق دیگر، به خصوص چین، برای روسیه حایز اهمیت است. در واقع، روسیه قصد دارد تا سیاست خاصی را در این منطقه اعمال کند، اما وجود برخی مشکلات قدیمی موضوع میانجیگری در قره‌باغ و عدم تأمین اهداف روسیه، دخالت آمریکا در تحولات قفقاز و کشمکش میان آمریکا و روسیه، که هر کدام به دنبال منافع خاص خویش هستند، به عوامل بی‌ثباتی و ناامنی در منطقه دامن می‌زند.

۲. رویکرد قومی-سیاسی: قفقاز به عنوان میراث شوروی سابق، یکی از متنوع‌ترین مناطق قومی-زبانی در جهان است. اختلافات تاریخی و سیاست نادرست

شوروی سابق نسبت به قومیتها باعث بروز معضلاتی در این منطقه شده است. با توجه به این رویکرد و ارتباط آن با سیاست و امنیت، باید آن را به عنوان راه حلی برای حل و فصل مسایل قومی در نظر داشت. به فرض حل مناقشات قره باغ، مکانی که سررشته تمامی مسایل قومی است، و امضای طرح صلح در این منطقه می تواند مؤثر واقع شود. اما فقدان فرهنگ مناسب در میان اقوام، بهره گیری قدرتهای خارجی از اختلافات منطقه ای و استفاده حکومتهای فعلی از این معضل به عنوان ابزاری برای نیل به منافع خاص خویش باعث می شوند تا عملکرد این رویکرد با تعویق مواجه گردد و این عامل به تنهایی نمی تواند امنیت را به قفقاز باز آورد.

۳. رویکرد اقتصادی: امنیت در جهان سوم در گرو حل مسایل اقتصادی و شکوفایی و رونق تجارت است. توزیع عادلانه درآمد و ثروت مقدمه ای برای حل تدریجی مشکلات امنیتی در منطقه می باشد. به فرض، وجود منابع غنی نفت و عبور خط لوله از قفقاز می تواند برای این منطقه فرصتها و چالشهایی را به وجود آورد و یا تأمین

سرمایه گذاری مؤثر، تحول اقتصادی و رفاه اجتماعی فرصتی برای حل مشکلات اقتصادی در منطقه است، اما در مقابل افزایش رقابت قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای از طریق فشار آوردن به منطقه قفقاز و ایجاد ناامنی سیاسی حاصله از این مهم می تواند تهدید جدی برای آن محسوب شود؛ زیرا، همان طور که می دانید، امنیت بستر اساسی برای رشد و شکوفایی اقتصادی است و اگر عامل اول تأمین نشود، عامل بعدی تأثیری نخواهد داشت.

۴. رویکرد همکاری منطقه ای: در زمینه اجرای این رویکرد طرحهای متفاوتی پیشنهاد شد، اما به دلیل مشکلات موجود هیچ یک به مرحله اجرا در نیامد. هیچ یک از این چهار رویکرد به خودی خود و به تنهایی نمی توانند، با توجه به شرایط قفقاز مؤثر واقع شوند. در واقع، رویکرد همکاری منطقه ای به عنوان مبنا قرار دارد و سایر رویکردها باید در کنار آن و با هم عمل کنند. با نگاهی به آینده می توان گفت که امنیت پایدار در قفقاز باید تأمین شود و این مهم به شاخصهایی چون رضایت تمامی نیروهای مؤثر در منطقه،

مربوط به ساختن امنیت هر بازیگر به امنیت دیگری، تعریف چارچوب معین برای همکاریهای منطقه ای قابل قبول برای تمامی کشورهای منطقه و همچنین درک مشترک قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای از تهدیدها و چالشهای موجود در منطقه نیاز دارد.

وضعیت ایران به عنوان یک کشور ارتباط دهنده میان شمال- جنوب و شرق- غرب

بروز تغییرات ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی در نتیجه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال جمهوریهای تشکیل دهنده آن در مرزهای شمالی ایران، باعث شده است تا روابط خارجی کشورها تحت تأثیر واقع شود. همچنین، در همسایگی ایران واحدهای سیاسی مستقل و جدیدی شکل گرفتند که در بعد فرهنگی، تاریخی و تمدنی قرابت ویژه ای با ایران دارند، در بعد اقتصادی، منابع غنی و ظرفیت بالای همکاری دارند و در بعد سیاسی، استقلال آنها موجب پیدایش

فضای جدیدی در جهت همکاری با ایران در چارچوب روابط دو جانبه منطقه ای و بین المللی گردیده است، به طوری که بعد از فروپاشی ایجاد کشورهای نواستقلال یافته، اهمیت این منطقه را چند برابر کرده است.

با توجه به شرایط جغرافیایی و نزدیکی قفقاز به ایران، عدم امنیت منطقه بر امنیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران تأثیر می گذارد و از آنجا که ارتقای امنیت ملی و توسعه اقتصادی به منظور تحکیم صلح، امنیت و ثبات در مناطق پیرامون از جمله ایران اهمیت بسیاری دارد، توجه شایان به تثبیت شرایط نوین منطقه باید در رأس کار رهبران حکومتی قرار گیرد. یکی از راههای تأمین امنیت و ثبات در منطقه قفقاز، همکاری و هم گرایی اقتصادی است و ایران در این راستا تلاشهای گسترده ای را به عمل آورده است که می توان به عنوان مثال به موارد زیر اشاره نمود:

۱. در بخش حمل و نقل و ترانزیت، ایران با ایفای نقش تعیین کننده در کریدور شمال- جنوب و مشارکت در کریدور شرق- غرب (تراسیکا) می تواند در ارتباط میان

شرق و غرب نقش سازنده‌ای داشته باشد و از موقعیت خاص جغرافیایی خود برای کاهش هزینه‌های ارتباط میان شمال- جنوب و شرق- غرب استفاده کند.

۲. در بخش انرژی، به ویژه در بخش نفت و گاز و همچنین در بخش انرژی هیدروالکتریکی، ایران می‌تواند فعالیت سازنده‌ای در جهت تأمین امنیت منطقه داشته باشد.

۳. در بخش تجارت هم انجسام مطالعات فنی و بررسی کارشناسانه در زمینه امکان افزایش ظرفیت مبادلات تجاری و کشف ظرفیتهای جدید باید مد نظر قرار گیرند.

نتیجه گیری

مشکل قفقاز به زمانهای دور دست بر می‌گردد؛ به زمان مردم باستان دوران رنسانس و مغول‌ها و بعد هم به اتحاد جماهیر شوروی. همه می‌دانند که فاتح هر منطقه باید یک اصل قدیمی را در نظر داشته باشد و آن این است: «تفرقه بیانداز و حکومت کن.» تضاد میان ساختارهای اجتماعی و سیاسی و

عدم ثبات در مسایل اجتماعی که سر منشأ آن افکار مارکسیسم ناشی از هم‌جواری سابق شوروی است، باعث بروز مشکلات بسیاری در منطقه گردیده است. در این میان، نفوذ آمریکا نیز باعث گسترش دامنه اختلافات و تنش در منطقه شده است. آمادگی این منطقه برای بروز اغتشاش، بی‌ثباتی و تنش بسیار است، آن هم به چند دلیل: ۱. تأثیر گذاری عوامل درونی به فرض، اختلافات قومی- فرهنگی و مرزی؛ ۲. تأثیر عوامل بیرونی مانند رقابت قدرتهای بزرگ، به خصوص آمریکا و روسیه.

لازم به ذکر است کسه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق دارای جنبه‌های مثبت و منفی است. به طور مثال، از جنبه‌های مثبت آن می‌توان به این نکته

اشاره کرد که در زمان شوروی محیطی از مناقشات به وجود آمده بود و امیال مردم منطقه به هیچ وجه مورد توجه قرار نمی‌گرفت، مردم عادی به قدرت سیاسی دسترسی نداشتند و سایه تاریک خفقان تمام منطقه را فرا گرفته بود. اما هم‌اکنون با استقلال کشورهای تشکیل دهنده شوروی

فرهنگ و پول: مطالعه‌ای پیرامون آینده توسعه فرهنگی در جهان عرب

المستقبل العربي، عدد ۲۹۲، ص ص

۵۹-۷۹.

المنجى الزيدى

استاد دانشگاه و مشاور وزیر

فرهنگ تونس

ترجمه: شهید محمدی

در طول تاریخ هیچ گاه فرهنگ تا این حد به اقتصاد مرتبط نبوده است. در سالهای اخیر، پول کلیه مرزها را زیر پا نهاده و سیادت مطلق یافته است. مقاله حاضر تلاش دارد تا آینده توسعه فرهنگی جهان عرب را در آغاز قرن بیست و یکم به گونه‌ای مورد مطالعه قرار دهد که ضمن توجه به تحولات کنونی جهان و تبیین مهم‌ترین چالشهای فراروی آن، موقعیت و وضعیت کشورهای عربی را نیز در این عرصه تحولات فرهنگی جهانی، ارزیابی نماید.

سابق، تا حدودی برخی مشکلات مرتفع گردیده است و این جنبه مثبت قضیه است. اما برخی ابهامات هنوز برجا مانده؛ به طور مثال، حتی امروز هم شاید در آذربایجان خیلی‌ها ندانند که قره باغ مال چه کسی است، که این امر می‌تواند جنبه منفی تلقی شود و خود باعث بروز مناقشات دیگری در منطقه گردد. علاوه بر این، اعمال قدرت از سوی روسیه، آمریکا و سایر کشورهای اروپایی و همچنین اختلاف میان کشورهای منطقه‌ای در جهت نیل به اهداف خاص شان نیز می‌تواند تنشهای شدیدی در منطقه ایجاد کند. در این راستا، ضرورت ایجاد می‌کند که، با توجه به وضعیت خاص قفقاز و زمینه‌های بالقوه تشدید بحران و تنش در منطقه، به راهکارهای مناسب برای افزایش امنیت و ثبات در قفقاز جنوبی توجه ویژه شود. بنابراین، تعامل بیشتر منطقه‌ای و همکاریهای فرامرزی لازم است. در واقع، اوضاع قفقاز مثل یک بشکه باروت است که می‌تواند برای منطقه و برای همسایگان آن خطرناک باشد.